

اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری

ماکس وبر

مترجمان

عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی



۱۳۹۷

فهرست مطالب

۱	مقدمه چاپ انگلیسی
۲۱	مقدمه نویسنده
۳۹	بخش اول: مسئله
۴۱	فصل اول - تعلق مذهبی و قشربندی اجتماعی
۵۱	فصل دوم - «روح» سرمایه‌داری
۷۹	فصل سوم - مفهوم Beruf از دیدگاه لوتر
۹۱	یادداشتهای بخش اول
۱۱۱	بخش دوم: اخلاق شغلی در پروتستانیسیم ریاضت‌گشانه
۱۱۳	فصل اول - بنیادهای مذهبی ریاضت‌گشی دنیوی
۱۱۶	الف - کالوینیسیم
۱۴۳	ب - پیتیسیم
۱۵۲	ج - متودیسیم
۱۵۶	د - فرقه‌های باپتیستی
۱۶۷	فصل دوم - ریاضت‌گشی و روح سرمایه‌داری
۱۹۳	یادداشتهای بخش دوم
۲۳۱	فرقه‌های پروتستانی و روح سرمایه‌داری
۲۵۳	یادداشتهای مقاله فرقه‌های پروتستانی و روح سرمایه‌داری

مقدمه چاپ انگلیسی

اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری بدون شک یکی از مشهورترین و مناقشه‌انگیزترین آثار علوم اجتماعی جدید است. این اثر که اول بار به صورت یک مقاله دو قسمتی در سالهای ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵ در نشریه *Archiv für Sozialwissenschaft und Sozial Politik*، که وبر یکی از سردیران آن بود، به چاپ رسید بلافاصله به مباحثه حادی دامن زد که وبر فعالانه در آن شرکت جست؛ مباحثه‌ای که پس از هفتاد سال هنوز فرو ننشسته است [...].

وبر اخلاق پروتستانی را در مرحله‌ای تعیین کننده از فعالیت فکری خود، اندکی پس از بهبودی از یک افسردگی روحی که او را برای مدت چهار سال از فعالیت جدی آکادمیک بازداشته بود، به رشته تحریر درآورد. گرچه اکثر آثار وبر قبل از بیماری او موضوعاتی را که وی در مرحله بعدی زندگی خود بسط داد مطرح می‌کردند، اما این آثار در حقیقت پژوهشهایی فنی در تاریخ اقتصاد، علم اقتصاد، و حقوق به شمار می‌آمدند. این پژوهشها شامل مطالعاتی درباره قوانین تجاری قرون وسطا (رساله دکترای او)، تکامل مالکیت ارضی در روم، و شرایط اجتماعی - اقتصادی کارگران روستایی آن زمان در شرق آلمان بود. این نوشته‌ها از نظر بعضی اجزای ذاتی خود ملهم بود از «مکتب تاریخی» اقتصاد که با انحراف

آگاهانه از اقتصاد سیاسی انگلیسی، بر ضرورت بررسی حیات اقتصادی در چارچوب تکامل تاریخی فرهنگ به عنوان یک کل تکیه می‌کرد. وبر همیشه مدیون این نظرگاه باقی ماند، اما سلسله‌آثاری که پس از بهبودی آغاز کرد، و بقیه فعالیت خود را به آن اختصاص داد. نسبت به دوره قبلی طیفی بسیار وسیع‌تر از مسائل را دربر می‌گیرد. اخلاق پروتستانی نخستین ثمره این تلاش‌های جدید بود.

ارزیابی هدف وبر در این کتاب دست کم نیازمند درک مقدماتی دو جنبه از شرایطی است که این اثر در آن به رشته تحریر درآمد: فضای فکری موجود به هنگام نگارش این کتاب و روابط میان این اثر و برنامه عظیم مطالعاتی که وبر برای دومین مرحله فعالیت خود در نظر گرفته بود.

۱ - پیشینه

فلسفه، تئوری سیاسی، و علم اقتصاد آلمانی در قرن نوزدهم با همین علوم در بریتانیا تفاوت بسیار داشت. مکتب منفعت‌گرایی و اقتصاد سیاسی کلاسیک موضع غالبی را که در انگلستان داشت در آلمان به دست نیاورد، زیرا در این کشور نفوذ ایده آلیسم و تأثیر فزاینده مارکسیسم در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم موجب پرهیز از این مکاتب می‌شد. در بریتانیا، نظام منطق جان استوارت میل (۱۸۴۳)^۱ علوم طبیعی و اجتماعی را در چارچوبی کاملاً متناسب با سنن موجود در این کشور متحد کرد. میل برجسته‌ترین مرید کنت بود،^۲ اما در قبال برخی تندرویهای وی نظری شدیداً انتقادی داشت. پوزیتیویسم کنت هرگز زمینه مساعدی در آلمان به دست نیاورد و موافقت همدلانه اما انتقادی دیلتای^۳ با نسخه میل از «علوم روحی»^۴ انگیزه دیگری برای آنچه تحت عنوان علوم انسانی (که در اصل ترجمه دقیق «علوم روحی» بود) شناخته شد، فراهم کرد. سنت علوم انسانی یا سنت «تأویل» به مدتها قبل از دیلتای باز می‌گردد و از اواسط قرن هجدهم به این سو با جریان وسیع‌تر

فلسفه ایده‌آلیستی (در عین تمایز از آن) درهم تنیده شده است. پیروان دیدگاه تأویل بر تمایز علوم طبیعی از علوم مربوط به انسان تأکید می‌کردند. به عقیده آنها رویدادهای طبیعی را می‌توان با استفاده از قوانین علی «تبیین» کرد، اما رفتار انسان ذاتاً معنادار است و باید به شیوه‌ای که در طبیعت معادلی ندارد «تعبیر» یا «فهم» شود. این تأکید از روییک با تأکید بر نقش مرکزی تاریخ در مطالعه رفتار انسان در اعمال اقتصادی و در سایر حیطه‌ها پیوند دارد، زیرا مطابق این دیدگاه ارزشهای فرهنگی که به زندگی انسان معنا می‌بخشند به وسیله روندهای خاص تکامل اجتماعی آفریده می‌شوند.

وبر همان طور که تر اهمیت مرکزی تاریخ برای علوم اجتماعی را پذیرفت، این ایده را نیز که «فهم» (Verstehen) معنا برای تبیین عمل انسان اساسی است را اختیار کرد. اما او مفاهیم «شهود»،^۵ «همدلی»^۶ و غیره را که از نظر بسیاری ضرورتاً با فهم تعبیری رفتار پیوند داشتند مورد انتقاد قرار می‌داد. از همه مهمتر، او با این نظر مخالف بود که تصدیق خصلت «معنادار» رفتار انسان به معنای عدم امکان استفاده از تبیین علی در علوم اجتماعی است. در سطح روش انتزاعی، وبر توانست میان رشته‌های مختلفی که می‌کوشید آنها را درهم بیافد سازشی رعایت‌بخش ایجاد کند؛ اما تلاش او برای ترکیب آنها سبک خاصی از مطالعه تاریخی را پدید آورد که عبارت بود از ترکیب حساسیت نسبت به معانی فرهنگی مختلف، با تأکید بر نقش علی بنیادی عوامل «مادی» در تأثیر بر روند تاریخ.

با این پیشینه فکری بود که وبر به مارکسیسم به عنوان مجموعه‌ای از عقاید و نیز به عنوان یک نیروی سیاسی برای تحقق اهداف عملی نزدیک شد. وبر وابستگی نزدیک با Verein für Sozialpolitik (اتحادیه سیاست اجتماعی) داشت؛ این اتحادیه گروهی از محققان لیبرال را در برمی‌گرفت که به پیشبرد اصلاحات اجتماعی مترقی علاقه‌مند بودند.^۷ او یکی از اعضای «نسل جوان‌تر» وابسته به این

5) Intuition

6) Empathy

7) Dieter Lindenlaub: Richtungskämpfe im Verein für Sozialpolitik, Wiesbaden, 1967.

1) J. S. Mill 2) Auguste Comte 3) Wilhelm Dilthey 4) Moral Sciences